

درباره کتاب «در جست و جوی فلسطین»،

در گفت و گو با احمد فاضلی شوشی، مترجم اثر

هویت باز یافته نجلا، دختر ادوارد سعید



کتاب «در جست و جوی فلسطین»، نوشته نجلا سعید، ازسوی نشر «عبارت» به بازار کتاب آمد. احمد فاضلی شوشی، مترجم کتاب، با اشاره به چگونگی نگاه نجلا سعید درباره فلسطین گفت: «نجلا سعید، مؤلف کتاب 'در جست و جوی فلسطین'، دختر ادوارد سعید، نویسنده و اندیشمند بزرگ فلسطینی و استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه کلمبیاست. او در این کتاب که زیرعنوان 'خاطرات' را پدک می‌کشد، به شرح پریشان خاطری دوران کودکی اش نسبت به مسئله هویت می پردازد. باینکه در آمریکا زندگی می‌کند، مشکل او زمانی حادث می شود که می بیند در آمریکا و نیویورک محل زندگی اش پیش داوری ها نسبت به عرب ها بسیار منفی است و از ترس و انکش ها و برخورد های منفی اطرافیان سعی می کند هویت لبنانی- فلسطینی و آمریکایی اش را پنهان کند. کتاب سیر تحول نجلا را از دختری با اعتماد به نفس پایین و شرم زده از هویتش به دختری خودباور که به عرب بودن و فلسطینی بودن خود افتخار می کند دنبال می‌کند.»

وی افزود: «امارسیدن به این شناخت به آسانی حاصل نشده است. جمله آغازین کتاب، 'من یک زن مسیحی فلسطینی- لبنانی-آمریکایی هستم'، ما را با دختری روبه رو می کند که همه این هویت ها را که شاید در نگاه اول متخاصم نیز به نظر برسند، با اغوش باز پذیرفته است. نجلا دختر ادوارد سعید است، روشنفکری که او نیز زمانی با مسئله هویت و جایگاه خود در جهان دچار کشمکش بود و این را از عنوان کتاب خاطراتش، 'Out of Place'، درمی یابیم که در ایران با عنوان فارسی 'بی درجگا' شناخته می‌شود. اگرچه 'در جست و جوی فلسطین' کتاب خاطرات نجلا سعید است، اما ادوارد سعید نیز در آن حضوری مداوم دارد، و همچون موسیقی متن، در پس زمینه ماجرا ها می‌وشد می‌کند.»

فاضلی شوشی بیان کرد: «نجلا سعید متولد بوستون و بزرگ شده نیویورک است، و به استثنای سال های اول دبستان و دوران راهنمایی که از پروردادن هویت عربی فلسطینی-لبنانی اش واهمه داشت، در دوران دبیرستان و با شهرت فزاینده پدرش به عنوان بلیغ ترین مدافع حقوق فلسطینیان در عرب و آمریکا، یاد می‌گیرد کم‌کم با هویت خود آشتی کند. اگرچه در آمریکابه دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد، هیچ‌گاه پیوند هایش را با ریشه های خود قطع نکرد و این را مدیون پدر و مادری بسیار داناتست که مهم ترین دغدغه شان انسان و کرامت انسان ها فارغ از دیدگاه ها و مسلک هایشان است.»

وی در ادامه گفت: «خانه ادوارد سعید و مریم قرطاس در آپروست ساید منتهن پدیری مهمانان مختلفی بود که طیفی وسیع از روشنفکران مانند نوآم چامسکی و سوزان سونتاگ و چهره های شاخص مقاومت فلسطین را در بر می گرفت، و مطمئنا همین مهمانان، به ویژه مهمانان فلسطینی و لبنانی، در شکل گیری جهان بینی نجلا نقش داشتند. فلسطین و حقوق فلسطینیان همیشه جزو دغدغه های پدر و مادر نجلا بودند. سفرهایی که نجلا در ایام کودکی به همراه پدر و مادرش، و در مواردی فقط با مادرش، به بیروت می‌کرد او را با ریشه هایش پیوند می‌زدند و همان گونه که در جایی اشاره کرده است خانه پدر بزرگزش، چدو امپیل، در بیروت دو چهارراه با مقر سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)، در زمانی که مقر آن در بیروت بود، فاصله داشت.»

وی بیان کرد: «اما مهم ترین [...] مواجهه نجلا با هویت فلسطینی اش که او را وادار به همدردی با این مردم کرد سفری بود که به همراه خانواده به سرزمین های اشغالی و غزه داشت. او در آنجا با واقعیت هایی تلخ روبه رو شد که پیش از آن به این اندازه ملموس احساسشان نکرده بود: 'بابا گفت: 'این مکان بالاترین تراکم جمعیتی رو توی کل دنیا داره. شصت و پنج هزار نفر توی این مکان روی سر همدیگه دارن زندگی می‌کنن. نج! داری گوش می دی؟ توی فضایی به وسعت نیم مایل مربع! امارها کابوس وارن، ترخ مرگ ومیر وحشت بار نورادان، بیکاری شدید، پایین ترین میزان سرانه در سرزمین های اشغالی، بیشترین روزهای حکومت نظامی، کمترین خدمات پزشکی، و تو خود حدیث مفصل بخوان.' و این مربوط به بیست سال پیش بود، امروز، حال و روز غزه بسیار بسیار بدتر است.» و در این سفر، پس از دیدن ظلمی که به مردمانش می رود، می‌گوید: "با استیصال می خواستم رنج بکشم، نه فقط به خاطر بابا، بلکه برای تمامی فلسطینیان." فاضلی شوشی در ادامه گفت: «نجلا، در آن هنگام که دختری تقریبا هفده ساله بود، برای کمک به مردم فلسطین شیوه ای جز تحمیل کردن رنج بیشتر بر خود از راه امساک از غذا خوردن نمی یابد. اما حالا نجلا با الهام از کارهای پدرش نقشی فعالانه تر را برگزیده است. او کتابی می نویسد که می توانست عناوین متفاوتی داشته باشد، اما برای کتاب خاطراتش، که بخش عمده ای از ماجرا هایش در نیویورک می‌گذرند، عنوان 'در جست و جوی فلسطین' را برمی‌گزیند.

او، پس از انتشار کتاب، نمایشنامه ای یک نفره نیز برمیانی آن نوشت و به مدت هشت هفته در آمریکا روی صحنه برد.» کتاب «در جست و جوی فلسطین»، تألیف نجلا سعید، با ترجمه احمد فاضلی شوشی، در ۲۳۳ صفحه و به بهای ۲۴ هزار تومان ازسوی نشر «عبارت» به بازار کتاب آمده است.

منبع: ایبنا

شهریار

شماره ۵۵۵
۴۳ آبان ۱۴۰۳
۲۰ رجب ثانی ۱۴۴۴
شماره ۴۴۴۴



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان



- ❖ روان اندر آن گوهر دل فروز^{۱)} کز او روشنایی گرفته ست روز
- ❖ که هر بامدادی چو ز زین سپر ز مشرق برآرد فروزنده سر

گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه

- ❖ زمین پوشد از نوز پیرا هنا شود تیره گیتی پدوروشنا
- ❖ چو از مشرق اوسوی خاور^{۲)} کشد ز مشرق شب تیره سر برگشد

۱- دل فروز: روشنی بخش دل. «گوهر دل فروز» خورشید است. ۲- خاور: مغرب. ۳- زاستر: آن سوتر. ۴- خورشید و ماه هیچ از مسیر خویش منحرف نمی شوند و سر راه هم قرار نمی گیرند.

برای شنیدن این اییات، کد ره‌رو را اسکن کنید:

فشارهای اقتصادی، سرانجام قلب کتاب‌فروشی «علامه» را هم از تپش انداخت

دومینوی تعطیلی کتاب‌فروشی‌ها

محبوبه عظیم‌زاده‌ای توان یک فهرست بلند از کتاب‌فروشی‌هایی تهیه کرد که در سال‌های اخیر

برای همیشه تعطیل شده‌اند. کتاب‌فروشی‌هایی در اقصی نقاط کشور، تهران، شیراز، دامغان، زاهدان، مشهد و بسیاری شهرهای دیگر، تعطیلی‌هایی که دلیل عمده شان مسائل مالی و اقتصادی است و میراث روزگار اجاره‌های گزاف و گرانی کاغذند و دغدغه‌های زیادی که مجال کتاب‌خواندن و مطالعه را از آدم‌ها می‌گیرند. متأسفانه، اکنون، با تعطیلی کتاب‌فروشی قدیمی «علامه»، در مشهد، این فهرست طولانی‌تر هم شده است. کتاب‌فروشی باسابقه‌ای که در سال ۱۳۷۴ تأسیس شد و در سال‌های اخیر در راسته خیابان احمدآباد فعالیت می‌کرد و حالا به جرگه کتاب‌فروشی‌هایی پیوسته که چراغشان تقریباً خاموش شده و فقط به واسطه عرضه مجازی کتاب سوسویی آن‌ها مانده است. اما «علامه»، تنها کتاب‌فروشی شهرستان نیست که فشارهای اقتصادی آن‌را به تعطیلی کشانده، در این مجال قرار است اسامی دیگری را هم مرور کنیم.

● دومینوی تعطیلی کتاب‌فروشی‌ها آذر ۱۳۹۹، خبرگزاری «ایبنا» از تعطیلی مجموعه فرهنگی «شهر کتاب دامغان» خبر داد که ۳۰۰ میلیون تومان ضرر کرده بود. در ۱۵ آبان ۱۴۰۰، کتاب‌فروشی قدیمی خیابان زند شیراز تعطیل و به عینک‌فروشی تبدیل شد. «ایبنا» اول شهریور ۱۴۰۱، از تعطیلی کتاب‌فروشی تازه نفس «چهل کلاغ» و کتاب‌فروشی قدیمی «فردوسی» در تجریش تهران خبر داد و اعلام کرد که کتاب‌فروشی «نمایشگاه کتاب کودک»، در میدان انقلاب نیز تعطیل شده است. ۹ خرداد ۱۴۰۲، «تسنیم» نوشت که کتاب‌فروشی «هاشمی» در میدان

ولیعصر نیز بسته می‌شود. خبر جمع‌شدن کتاب‌فروشی‌های قدیمی یا جدید خیلی وقت است که دیگر خبر تازه‌ای محسوب نمی‌شود. شما با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت می‌توانید همچنان به این اسامی اضافه کنید. کتاب‌فروشی‌هایی که خیلی هایشان، حتی بعد از تعطیلی‌های موقت و چندباره یا در سختی روزهای کرونا زده و قرنطینه، به

حیات خود ادامه دادند، اما در نهایت، پس از تحمل فشارهای اقتصادی و فرهنگی متفاوت، تصمیم گرفتند به زیست خود پایان دهند یا کاربری‌شان را تغییر دهند. تفاوتی هم نمی‌کند در کدام نقطه از این کشور باشند؛ شهر و شهرستان‌های کوچکی که در انزوای خود خواسته یا تحمیلی به سر می‌برند یا کلان‌شهرهای پربهایویی چون تهران و مشهد که سابقه دار بود، «این مجموعه از ابتدای امسال به صورت کامل واگذار شده است.»

● پایداری به‌زور اسیرسو کتاب‌فروشی‌های مشهد هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند. تیرا ۱۴۰۱ بود که خبرگزاری «ایبنا» گزارشی درباره کتاب‌فروشی «قلم» در خیابان ابن سینا منتشر کرد با این عنوان: «کتاب‌فروشی قلم مشهد در آستانه تعطیلی.» البته این کتاب‌فروشی، خوشبختانه، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد، اما با اضافه شدن یک دستگاه اسپرسوساز که در گوشه مغازه قرار گرفته و برای آن دسته از کسانی که در جست‌وجوی کتاب نیستند، نوشیدنی سرو می‌کند. احمد باروح، صاحب این کتاب‌فروشی، در آن گزارش به داستان حذف یارانه کاغذ و گرانی کتاب اشاره کرده بود. این کتاب‌فروش، در گفت‌وگویی که سال گذشته پیرامون همین موضوع با او داشتیم، یکی از دلایل رکود کتاب‌فروشی‌ها را رونق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دانست و نتیجه‌گرفت: «شما، اگر بخواهی از راه درآمد کتاب‌فروشی زندگی ات را بگذرانی، امکان ندارد و از محالات است.» باروح در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت که در روزگار کنونی فقط عشاق سفت‌وسخت این حرفه می‌توانند به کار خود ادامه دهند و آن‌هایی که مکان کتاب‌فروشی متعلق به خودشان است و اجاره نمی‌دهند.

کافه‌کتاب «کوچه» را هم می‌توانیم ذکر کنیم، کافه‌کتابی که با عشق برپا شد، اما زور عشق به نگهداری آن نرسید. سرمایه روز عتیقه و وام ازدواج یک زوج مشهدی بود که دغدغه کتاب‌خوانی داشتند. اما سر نوشت آن هم تعطیلی و بسته شدن و روی آوردن به فضای مجازی بود. حال، پیگیری‌های تازه‌ما می‌گوید که حتی فروش مجازی «کوچه» هم دیگر خیلی رونق ندارد، هر چند، اگر کسی طالب باشد، می‌تواند

از طریق صفحه اینستاگرام آن درخواست کتاب‌های مورد نیاز خود را مطرح کند. کافه‌کتاب «ستاره‌ها»، که بیشتر با فروش کتاب‌های دینی و مذهبی شناخته می‌شد، نیز یکی دیگر از کتاب‌فروشی‌های شهر است که به دلایل مالی و اقتصادی از ابتدای امسال به صورت کامل تعطیل شد و دیگر فعالیتی ندارد. به گفته رضا فاضالی، که مدیریت این مجموعه را عهده‌دار بود، «این مجموعه از ابتدای امسال به صورت کامل واگذار شده است.»

● مسئله تغییر کاربری‌ها اگر بخواهیم به عقب‌تر برگردیم و یک نگاه گسترده‌تر و کلی‌تر به ماجرا داشته باشیم، شاید بد نباشد که از «سروش»، «عدل» و «عدالت» هم نام ببریم. کتاب‌فروشی‌های قدیمی و نوشت‌افزارفروشی‌هایی که هرچه جلوتر آمده‌ایم، از تعداد کتاب‌هایشان کمتر شده و تعداد قلم و دفتر و کاغذهایشان بیشتر، اتفاقی که به‌راهم از گرانی کاغذ و کتاب شئت گرفته است. یعنی اگر هزینه‌های سرسام‌آور در این دوره و زمانه، در یک حالت باعث می‌شود یک کتاب‌فروشی تعطیل شود، در حالتی دیگر، موجب می‌شود فروشنده بیشتر به فروش ابزارها و ادوات تحریر روی بیاورد.

محمد رضا نجف‌بخش، صاحب «سروش» در چهارراه عشرت‌آباد، در گفت‌وگویی که سال گذشته پیرامون همین موضوع داشتیم، به ما گفت: «فروش کتاب فوق‌العاده کم است و به تنهایی نمی‌تواند جواب‌گوی مخارج باشد. فروشنده نمی‌تواند به کتاب‌فروختن بسنده کند. از طرفی، دیگر کسی به دنبال کتاب خریدن و کتاب‌خواندن نیست، چون گران است.»

«عدل» و «عدالت» هم دو مغازه قدیمی دیگر هستند که البته از آغاز شکل‌گیری‌شان در محله سراب، فروش کتاب و نوشت‌افزار را در کنار هم داشته‌اند. اما این روزها، با وجود اینکه هنوز عنوان کتاب‌فروشی بر سر در آن‌ها هست، بیشتر فروشنده لوازم درس و مدرسه‌اند.

● میزانی مجازی «علامه» این داستان حالا برای یکی دیگر از کتاب‌فروشی‌های شهرستان تکرار شده است:

کتاب‌فروشی «علامه»، کتاب‌فروشی‌ای که در سال ۱۳۷۴، ابتدا، کار خود را با فروش

کتاب‌های درسی و نوشت‌افزار آغاز کرد، اما رفته‌رفته پای کتاب‌های متنوع و متفاوت به آن باز شد و سال‌ها شد مأمّن بسیاری از کتاب‌خوان‌های شهر که برای جست‌وجو و یافتن کتاب‌های مورد علاقه‌شان به آن پا می‌گذاشتند. اکنون اما حدود چهار ماهی می‌شود که چراغ این مغازه خاموش شده است. پیگیری‌های ما، همچنان که در صفحه اینستاگرام خود کتاب‌فروشی نیز مطرح شده، نشان می‌دهد که دلیل این خاموشی مسائل مالی و هزینه‌های گرانی است که باید برای اجاره پرداخت کرد، کاری که در این روزگار خیلی‌ها از عهده آن بر نمی‌آیند. «علامه» در صفحه اینستاگرام خود نوشته است تا زمانی که مشخص نیست، این کتاب‌فروشی، فروش کتاب‌های خود را صرفاً به صورت مجازی ادامه می‌دهد؛ «گذاشتن این پیام خیلی راحت نیست، اما گاهی مسائلی پیش می‌آید که به نظر می‌رسد، به‌نظر می‌رسد، اگر اذعان کنیم اصولاً سرمایه‌گذاری در مسائل فرهنگی ریسک زیادی دارد. این ریسک در مقوله کتاب و کتاب‌خوانی چند برابر است. کسب‌وکاری که سرمایه‌گذاری در آن، برخلاف بسیاری حرفه‌های دیگر، با افزایش تورم تناسب ندارد و فرد به تدریج مجبور می‌شود هزینه بیشتری برای اجاره و استخدام کارکنان بپردازد، کسب‌وکاری که نه سوسپیدی به آن تعلق می‌گیرد و نه در عمل از دولت حمایت قابل توجهی دریافت می‌کند.

● راز ناگشودنی بقا در سال‌های اخیر بارها و بارها خبر



- ❖ نگیند مَر یکدگر را گذر نباشد از این یک‌روش زاستر^{۳)}

